

تحلیل و نقد مقاله «انبیاء و نبوت» در دایره المعارف قرآن □

حسن رضایی هفتادُر^۱

حسین علوی مهر^۲

چکیده

هدف: هدف این مقاله معرفی و نقد مدخل «انبیاء و نبوت» از دایره المعارف قرآن می‌پردازد. مقاله یوری رویین مشتمل بر این مباحث است: تفاوت بین رسول و نبی؛ فرشتگان و مأموریت آنان؛ جایگاه، مرتبه و تبار پیامبران؛ کاربردهای وحی و برخی ویژگی‌های آن؛ معجزات؛ رابطه محمد و کتاب ایشان با دیگر پیامبران؛ گستره رسالت؛ اهداف رسالت؛ برخوردهای اکتفا؛ قصه‌های پیامبران الهی؛ گزارشی از پیامبر در منابع حدیثی و تاریخی؛ جانشینان پیامبر اسلام؛ تحقیقات جدید در مورد پیامبرشناسی. **روش:** روش تحقیق بکار گرفته شده روش تحلیل اسنادی بوده است. **یافته‌ها:** این مقاله از تأثیر و نفوذ شیطان در پیامبران الهی و وحی آنان و اقتباس قرآن از کتب عهدین سخن به میان آورده است. این مطالب با مفاد آیات قرآن، اصول و مبانی اسلام و واقعیت تاریخ، سازگارند. وی در بررسی موضوع انبیاء و نبوت، از منابع شیعی استفاده نکرده است. استفاده نکردن از منابع شیعی، مشکل عمده‌ای است که نه تنها در پژوهش او، بلکه در تحقیقات بسیاری از خاورشناسان نیز جلب نظر می‌کند. **نتیجه‌گیری:** هر چند در مقاله «انبیاء و نبوت»، نکات و برداشت‌های مثبتی از آیات قرآن آمده، ولی برخی شبهات و مطالب نقدپذیر نیز بدان راه یافته است؛ از جمله: تأثیر و نفوذ شیطان در وحی، اقتباس قرآن از عهدین و کتب مقدس، تبار محمد و محمد عرب. در نوشتار پیش رو، به این شبهات پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: نبوت، انبیاء، محمد (ص)، وحی، قرآن، رسالت، یوری رویین، خاورشناسان

□ دریافت مقاله: ۹۰/۰۶/۲۱؛ تصویب نهایی: ۹۰/۰۹/۳۰

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث و استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / آدرس: قم، پردیس قم دانشگاه تهران، دانشکده فقه و فلسفه / نمابر: ۰۲۵۱-۶۱۶۶۴۰۱

Email: h_7tadur@yahoo.com /

۲. دکترای تفسیر و علوم قرآنی و استادیار جامعه المصطفی العالمیه / Email: alavimehr5@hotmail.com

■ مقدمه

خاورشناسان حاصل پژوهشهای خود را درباره قرآن در قالب مقالات، کتابها و دایره‌المعارفها به جهان علم عرضه کرده‌اند. شناخت دقیق این آثار و دیدگاههای مطرح شده در ضمن آنها، ضرورتی انکارناپذیر است؛ زیرا در پس نگارش برخی از این آثار، اهداف استعماری و تبشیری نهفته است. افزون بر این، در لابه‌لای مطالب مطرح شده در این آثار، شبهات و انتقادهایی درباره معارف اسلامی و قرآن به چشم می‌خورد. لزوم شناخت صحیح قرآن پژوهی امروز در غرب، وقتی دوجندان می‌شود که به یاد آوریم عالمان مسلمان در گذشته، همواره خود را ملزم به پاسخگویی انتقادات و اعتراضهای یهود و نصارا می‌دانستند؛ چنان که امامان بزرگوار شیعه از جمله امام صادق(ع) و امام رضا(ع)، از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند و با حضور در مجالس مناظره، شبهه‌ها و پرسشهای اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند. به همین منظور، پژوهش حاضر به معرفی و نقد مقاله «انبیا و نبوت»^۱ نوشته یوری روبین^۲ در دایره‌المعارف قرآن لیدن^۳ می‌پردازد.

■ زندگینامه علمی یوری روبین

یوری روبین استاد یهودی گروه مطالعات اسلامی و عربی در دانشگاه تل‌آویو، از اعضای هیئت مشورتی دایره‌المعارف قرآن و زمینه پژوهشی وی، بررسی صدر اسلام با تکیه بر قرآن، تفاسیر قرآن، سیره و حدیث است. تحقیقات اخیر وی درباره اهمیت بیت‌المقدس در صدر اسلام است. به بیان دقیق‌تر؛ وی در این تحقیقات، جایگاه قبه‌الصخره بیت‌المقدس در صدر اسلام را بررسی و به مقایسه منزلت آن با کعبه مکه از نگاه مسلمانان صدر اسلام مبادرت کرده است. در حال حاضر، پژوهشهای وی بر توصیف نبوت محمد در قرآن و مقایسه آن با منابع غیر قرآنی متمرکز است. برخی از آثار وی عبارتند از:

- نگاه بیننده. زندگی محمد از منظر مسلمانان صدر اسلام؛ (The Eye of the Beholder. The Life of Muhammad as Viewed by the Early Muslims, Princeton 1995)
- زندگی محمد (شکل‌گیری جهان صدر اسلام: ۴ جلدی)؛ (The Life of Muhammad (The Formation of the Classical Islamic World: Vol.4), Aldershot 1998)
- «رسول جامه به خود پیچیده در تفسیر سوره‌های مزمل و مدثر»؛ ("The Shrouded Messenger. On the Interpretation of al-muzzammil and al-mudaththir", JSAI 16, 1993)

1. Prophets and Prophet hood

2. Uri Rubin

۳. Encyclopedia of the Qurān. دایره‌المعارف قرآن در شش جلد توسط انتشارات بریل در شهر لیدن هلند منتشر شده و مقالات آن با محوریت قرآن به رشته تحریر درآمده است.

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره المعارف قرآن ♦ ۱۴۳

- «بوزینه‌ها و خوکها و تشبیه به آنها در اسلام»؛ ("Apes, Pigs and the Islamic Identity", IOS 17, 1997)
 - «انبیا و خلفا. اساس قدرت بنی‌امیه»؛ ("Prophets and Caliphs. The Biblical Foundations of the Umayyad Authority", Method and Theology in the Study of Islamic Origins, Leiden, 2003)
 - «انبیا و نیاکان در روایات اولیه شیعه» ("Prophets and Progenitors in the Early Shī'a Tradition", JSAI 1, 1979)
- (Rubin, 2001, vol.1, P.307; Ibid, 2003, vol.3, P.458; Ibid, 2004, vol.4, P.306)

■ گزارشی از محتوای مقاله «انبیا و نبوت»

موضوع این مقاله درباره نبوت است و البته مفهوم «وحی» نیز در آن بررسی شده است. برخی از نکات مهم مقاله انبیا و نبوت عبارت است از:

۱. نویسنده پس از بررسی واژگان «نبی»، «رسول» و مشتقات آن، با استفاده از آیات قرآن ثابت می‌کند که مقام «رسالت» از مقام «نبوت» برتر است؛ زیرا «رسالت» همراه با کتاب است و شخص «رسول» وحی را از فرشته دریافت می‌کند؛ اما «نبی» ادامه‌دهنده شریعت پیشین است.
۲. فرشتگان وظیفه دارند پیام خدا را به پیامبران برسانند. این وظیفه مهم بر عهده جبرئیل است. مهم‌ترین مأموریت او رساندن وحی قرآن به محمد(ص) است؛ اگر چه وظایف دیگری مانند بخشیدن پسر (= عیسی) به مریم(س) نیز برای او ذکر شده است.
۳. پیامبران الهی از تبار برگزیدگان الهی‌اند که در میان انسانهای با فضیلت، بالاترین مقام را به خود اختصاص داده‌اند. پیامبران، ویژگی‌های خاصی دارند که تنها خداوند آنها را انتخاب می‌کند. البته همه پیامبران در یک رتبه نیستند و برخی بر برخی دیگر برتری دارند. از جمله برترین ایشان، پیامبران اولوالعزم هستند. اگر چه مفسران درباره هویت آنان اتفاق نظر ندارند؛ ولی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ص)، از آنان می‌باشند. حضرت محمد در میان ایشان جایگاه ویژه‌ای با عنوان «حبیب خدا» به خود اختصاص داده و شریعت وی، کامل‌کننده ادیان و شرایع آنان است.
۴. نویسنده در بخش دیگری از مقاله خود، به شیوه‌های وحی پیامبران می‌پردازد که مهم‌ترین بحث آن، افعال متعددی است که در فرایند وحی به کار می‌رود. وی پرکاربردترین واژه برای مفهوم وحی را واژه «نزل» می‌داند. در ضمن، برخی ویژگی‌های وحی را نیز بیان می‌کند؛ از جمله اینکه: سرچشمه وحی و نزول، خداست؛ توسط فرشتگان بر محمد(ص) نازل شده و فرایند نزول وحی، به قلب پیامبر ختم می‌شود.

پس از آن واژه «وحی» و «اوحدی» است که منحصر در وحی پیامبرانه و رسالی نیست، بلکه این فعل برای زنبور عسل، فرشتگان، زمین، آسمان و حضرت زکریا نیز به کار رفته است. اما وحی رسالی، همان القائات

پیامبرانه است که به محمد(ص) نیز کتاب و قرآن وحی شده است. بنابر آیات قرآن، پیامبر نباید در وحی شتاب بورزد و آنچه کامل دریافت می‌کند، واجب است برای عموم مردم قرائت کند. محتوای وحی نیز گاهی توحید، گاهی واجبات دینی، صدقه دادن، حکمت و امور دیگر است. واژه‌های دیگری مانند القا، اتیان و الهام نیز به نوعی همان مفهوم وحی را می‌رسانند.

۵. بخش دیگر مقاله، بحث «معجزات» پیامبران است که در قرآن از آنها با عنوان «آیه» یا «آیات» یاد شده است. نویسنده به ذکر شواهد متعددی از قرآن می‌پردازد که در آن واژه «آیه» یا «آیات» یا بیان «معجزه» ای از پیامبران آمده است.

وی در بخش دیگر به کتابهای آسمانی پیامبران اشاره کرده، ویژگی‌های مختلفی برای کتاب قرآن بیان می‌کند؛ مانند: متشابه، مبارک، حق و... .

۶. بخش دیگر مقاله، درباره پیامبران و حضرت محمد(ص) است. نویسنده در این بخش به برتری جایگاه پیامبر اسلام نسبت به سایر پیامبران پرداخته و اینکه قرآن کریم تمامی پیامبران پیشین را تصدیق کرده است و پیامبران پیشین نیز به ظهور محمد(ص) بشارت داده‌اند؛ زیرا جملگی آنان به همراه کتابهای آسمانی‌شان، حلقه‌هایی هستند از سلسله پی‌درپی وحی. مؤمنان راستین نیز کسانی هستند که به همه کتابهای آسمانی ایمان بیاورند و پیروان تمام ادیان آسمانی گذشته - از جمله یهود و نصاری که قرآن آنها را اهل کتاب می‌نامد - باید به پیامبر اسلام و قرآن ایمان بیاورند (که از نظر قرآن نفی تکثرگرایی دینی است)؛ زیرا محمد(ص) است که به اوج سلسله وحی انبیا بدل می‌شود و لقب خاتم الانبیا به خود می‌گیرد.

۷. در بخش دیگر، گستره رسالت پیامبران مورد بحث قرار گرفته و اینکه هر پیامبری با زبان قوم به سوی امت خود فرستاده شده و محمد(ص) در هیئت پیامبری جهانی است که رسالتش از محدوده قومی فراتر می‌رود و فرستاده‌ای برای تمام جهانیان و جن‌هاست.

۸. در بخش بعدی، اهداف رسالت پیامبران مطرح شده است. گویا هدف اصلی بعثت پیامبر(ص)، استیلای دین خدا (اسلام) بر تمام دین‌ها بوده است! همچنین پرستش خدای یگانه، رد شرک، هشدار به کافران لجوج، بشارت به بهشت برای ایمان آوردگان و هدایت انسانها، از دیگر اهداف رسالت پیامبر اسلام(ص) است.

۹. بحث دیگر، پذیرش دعوت پیامبران الهی از سوی توده مردم است. هر پیامبری که مبعوث می‌شد، انتظار می‌رفت استقبال از وی مثبت باشد، اما آنان در بیشتر مواقع با انکار، استهزا، تهمت و درگیری روبه‌رو می‌شدند. در قرآن کریم مکرر از اقوامی یاد شده که به سبب سرپیچی و نافرمانی از پیامبرشان به عذاب الهی گرفتار شده‌اند.

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره‌المعارف قرآن ♦ ۱۴۵

۱۰. قرآن افزون بر اظهار نظرهای کلی درباره پیامبران، قصه‌هایی درباره برخی پیامبران عرضه می‌کند که بخشی از گفتگوی خدا و حضرت محمد(ص) هستند و خداوند درباره آنان با پیامبرش سخن می‌گوید یا از او می‌خواهد درباره آنان با مخاطبانش سخن گوید. قصه‌های قرآنی با واژهایی مانند: ذکر، اذکر، نبأ و انباء، اُتل یا نَقص بیان می‌شود که هر یک از آنها دارای نکته‌ای است. قرآن داستان جملگی پیامبران را مطرح نمی‌کند، بلکه تنها ماجرای برخی را نقل کرده است. به نقل یوری روبین از مفسران، خدای متعال در مجموع، هشت هزار پیامبر فرستاده که ۴۰۰ تن آنان از میان بنی اسرائیل بوده‌اند.
۱۱. زندگی پیامبران در منابع غیر قرآنی، از جمله احادیث و منابع تاریخ‌نگاری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از منابع حدیثی می‌توان به باب شصتم صحیح بخاری، کتاب قصص الانبیا یا عرائس المجالس ثعلبی اشاره کرد که در آنها بحثهای مربوط به برتری رتبه محمد(ص) از سایر پیامبران و حتی پیامبران اولوالعزم مطرح شده است.
- از منابع تاریخی نیز می‌توان به تاریخ طبری، ابن هشام، ابن اسحاق و تاریخ یعقوبی اشاره کرد که به انتقال نسل به نسل میراث نبوت از پیامبری به پیامبر دیگر اشاره کرده‌اند که این میراث شامل کتابهای آسمانی (صحیفه) بوده و هر کدام وظیفه داشته‌اند آن را از گزند تغییر و تحریف دور نگه دارند.
۱۲. پس از رحلت پیامبر خدا(ص)، هر گروه و فرقه‌ای می‌کوشید رهبران خویش را یگانه وصی و جانشین محمد(ص) معرفی کند. معروف‌ترین آنها شیعیان هستند که طبق نظر آنان، مسیر انتقال وحی در امامان شیعه ادامه می‌یابد و آنان وارثان پیامبران و حاملان نور الهی‌اند. خلفای اموی نیز خود را از یک تبار برگزیده می‌دانستند که ریشه در پیامبران و کتاب مقدس دارند.
۱۳. تحقیقات جدید در مورد پیامبران در قرآن بدین مطلب اشاره دارد که «پیامبرشناسی قرآنی» نوعی سیر تکاملی دارد. طرح قصه‌ها، عذاب [امتهای بدکار] و بازتاب شرایط محمد(ص) در مکه و دلداری دادن به محمد در این دوره دشوار است. طرح دین واحد و مشترک در همه پیامبران که همان دین ابراهیم باشد، نتیجه و دستاورد مجادلات مسلمانان با یهودیان مدینه است. کاربرد اصطلاح «نبی» در خلال دوره مدنی، بر این اساس است که محمد(ص) آن را لقب خاص خود قرار دهد.
- یوری روبین بیشتر این تحقیقات را از روبرتو توتولی^۱ - با چند کتابش در موضوعات مرتبط - نقل می‌کند. (Ibid, 2004, Vol.4, P.289-307)

▪ بررسی و نقد

هر چند در مقاله «انبیا و نبوت» نکات و برداشتهایی مثبت از آیات قرآن آمده، اما نویسنده در ضمن نوشتار خود، مطالبی را مطرح کرده است که برخی از آنها با مفاد آیات قرآن، اصول و مبانی دین اسلام و نیز با واقعیت تاریخ سازش ندارند. مهم‌ترین مطالب و موضوعاتی که در این مقاله به نقد و بررسی جدی نیاز دارند، عبارتند از:

* تأثیر و نفوذ شیطان در وحی و پیامبران؛

* اقتباس قرآن از عهدین و کتاب مقدس؛

* تبار حضرت محمد(ص)؛

* عرب بودن پیامبر(ص)!

در ادامه به نقد و بررسی هر یک از مطالب مذکور پرداخته می‌شود.

۱. دخالت شیطان در وحی و نبوت

نویسنده در دو جای مقاله اظهار می‌دارد که شیطان در پیامبران نفوذ می‌کند. وی در آغاز مقاله، در بحث انبیا و رسولان می‌نویسد: «شیطان کوشیده است تک تک رسولان یا انبیای پیش از محمد را گمراه کند!» (Ibid, P.289). همچنین در پایان بحث شیوه‌های وحی پیامبران می‌نویسد: «شیطان حتی در لابه‌لای وحی رسالی که پیامبران دریافت می‌کنند نیز آیات خود را القا می‌کند.» (Ibid, P.295).

▪ نقد

مطابق آیات قرآن، شیطان نمی‌تواند در پیامبران الهی و وحی آنان نفوذ کند. همچنین در مورد پیامبر اسلام(ص) و قرآن هیچ نفوذی نمی‌تواند داشته باشد. نخست به مسئله اخیر می‌پردازیم. خداوند در آغاز سوره نجم، هر گونه انحراف در گفتار و کردار را از پیامبر(ص) نفی می‌کند و هر نوع سخن گفتن ایشان را از روی هوای نفس، متنفی و تمام سخنانشان را وحی و از سوی خداوند می‌داند: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ». (نجم، آیه ۴-۱) اگر سخنان پیامبر(ص) منسوب به شیطان باشد، با جمله «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» که در آغاز سوره نجم آمده، منافات دارد. قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

«فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»؛ خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی کرده است و قلب پیامبر در آنچه دید، حقیقت بوده و هرگز دروغ نمی‌گفت. بنابراین، هر آنچه از وحی باشد، از سوی خداوند است و شیطان دخالتی در آن نخواهد داشت.

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره المعارف قرآن ♦ ۱۴۷

قرآن در موارد متعددی تصریح دارد که پیامبر مالک چیزی نیست و اگر خدا نخواهد، نمی تواند هیچ چیزی تلاوت کند: «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ» (یونس، آیه ۱۶)؛ بالاتر از این، اگر چیزی از خود بر خدا دروغ ببندد و آیه ای بسازد، خداوند رگ گردن او را قطع خواهد کرد. کنایه از اینکه خداوند با تمام قدرت جلوی آن را خواهد گرفت. «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (حاقه، آیه ۴۷-۴۴). افزون بر آن، اگر پیامبر از خود سخنی بگوید و به خدا نسبت دهد که بدون امر و وحی الهی باشد، این «افترا» است و نسبت دادن دروغ و کار کسانی است که به خدا و آیات الهی ایمان ندارند؛ در حالی که پیامبر اسلام (ص) و دیگر پیامبران چنین نیستند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۴۸)

حتی طبق آیات قرآن، تبدیل و دگرگونی آیات نیز از جانب شخص پیامبر انجام نمی شود؛ زیرا او اجازه ندارد از جانب خود، آیه ای بیاورد یا این آیات را تغییر دهد (یونس، آیه ۱۵). شیطان در نبوت و وحی هیچ پیامبری نیز نمی تواند نفوذ داشته باشد. توضیح اینکه، آیه ۵۲ سوره حج که یوری روبین به آن استدلال کرده است، نه تنها دلالتی بر دخالت شیطان بر روند وحی ندارد، بلکه حتی متن آن بر عصمت پیامبران دلالت می کند. خدای متعال می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ»؛ هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزو می کرد [اهدافش را پیش ببرد]، شیطان در آن القائاتی می نمود. اما خداوند القائات شیطان را از بین می برد، سپس خدا آیات خود را استحکام می بخشد.

در این آیه، «تمنی» به دو معنا آمده است:

۱. درخواست چیزی که انسان آن را دوست دارد؛ ممکن باشد یا ممتنع! مانند آرزوی فقیر برای ثروتمند شدن یا بی فرزند برای صاحب فرزند شدن و مانند آرزوی اینکه انسان قرنهای زنده بماند یا اصلاً نمیرد و اصل آن به معنای تقدیر است.

۲. برخی نیز تمنی را به معنای قرائت و تلاوت گرفته اند. تمنیت الکتاب؛ یعنی قرأته. (زمخشری، ۱۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۵)

آیه شریفه طبق هر کدام از دو معنا، ربطی به تصرف و دخالت شیطان در ذهن رسول خدا (ص) یا متن وحی ندارد؛ چون:

«طبق معنای اول؛ آرزوی قلبی پیامبر این است که دینش بر سایرین برتری یابد و مردم آن را بپذیرند، اما شیطان با وسوسه مردم، در این آرزوی به حق پیامبر، دخالت می کند و مردم را نسبت به پذیرش دین سست

می‌نماید و ستمکاران و مفسدان را برای فساد و کم‌رنگ کردن تلاشهای هر رسول و پیامبری، تهییج می‌کند. اما خدای متعال این وسوسه و القانات شیطانی را از میان می‌برد. در نتیجه، شیطان مردم را وسوسه می‌کند؛ نه اینکه در پیامبر نفوذ کند.

«طبق معنای دوم؛ اگر تمنی به معنای قرائت و تلاوت باشد؛ یعنی وقتی رسول خدا یا هر پیامبر دیگر، آیات خدا را قرائت می‌کند، شیطان در دل مردم وسوسه کند تا با پیامبر در مورد آیات خدا مجادله کنند یا با فساد، در ایمان آنها خلل ایجاد کند؛ در این صورت، خدای متعال القانات و وسوسه‌های شیطان را باطل می‌کند و به پیامبر توفیقاتی می‌دهد تا آن شبهات (و وسوسه‌ها) از بین بروند». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۳۹۲) کفار و مشرکان (شیطان‌صفتان) افزون بر آنکه مردم را دعوت می‌کردند تا به آیات قرآن گوش ندهند، از آنان می‌خواستند هنگام خوانده شدن قرآن، سخنان لغو بر زبان آورند تا آیات قرآن تأثیری نداشته باشند. در آیه ۲۶ سوره فصلت می‌خوانیم: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ»؛ کافران گفتند: گوش به این قرآن ندهید و هنگام تلاوت قرآن لغو بگویید تا پیروز شوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۲۶۵-۲۶۴)

بنابر هر یک از این دو معنا، آیه هیچ ربطی به نفوذ و تسلط شیطان بر پیامبر (ص) و وحی و آیات قرآن ندارد، بلکه دلالت می‌کند که خدای متعال هر گونه دخالت شیطان را باطل و نسخ می‌کند؛ زیرا حرف فاء در «فینسخ» اشاره به ترتیب بدون فاصله دارد؛ یعنی وقتی شیطان القانات خود را وارد می‌کند، خدای متعال بدون فاصله آنها را نسخ و زایل می‌سازد.

اساساً رویارویی شیطان با پیامبران الهی، نتیجه‌ای جز شکست برای شیطان ندارد؛ لذا خدای متعال می‌فرماید: «برای شیطان هیچ سلطه‌ای بر مؤمنان حقیقی و کسانی که بر خدا توکل کنند، نیست». (نحل، آیه ۹۹). روشن است که پیامبران الهی از شاخص‌ترین مصادیق مؤمنان و توکل‌کنندگان هستند.

خدای متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (اسراء، آیه ۶۵)؛ به راستی [ای شیطان] تو هیچ سلطه‌ای بر بندگان حقیقی من نداری.

خداوند همان‌طور که قرآن را بر قلب مبارک پیامبر (ص) نازل فرمود، وعده حفظ آن را از هر نوع تصرف نیز داده و تضمین کرده از آن محافظت کند: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (حجر، آیه ۹)

همچنین خدای متعال وعده داده است پیامبران را در همه امور، در مقابل هر گونه دشمن - دشمن ظاهر یا شیطان - پیروز کند. در این باره می‌توان به آیه ۵۱ سوره غافر، آیه ۲۱ سوره مجادله و آیه ۱۷۳-۱۷۱ سوره

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره‌المعارف قرآن ♦ ۱۴۹

صافات اشاره کرد. همچنین طبق آیات، کید و تصرف شیطان نسبت به خواست الهی، شکست خورده و ضعیف است؛ زیرا: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء، آیه ۷۶)

شاهد دیگر، آیه ۱۱۳ سوره نساء است: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ؛ إِنْ كَانَتْ إِلَّا هِيَ بِرَحْمَتِ اللَّهِ بَرِّئْتَ مِنْهَا وَنَحْنُ بِذُنُوبِكُمْ غَافِلُونَ»؛ اگر فضل و رحمت الهی بر تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند. اما آنها جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و هیچ زیانی به تو نمی‌رسانند.

همه اینها روشن می‌کند که خداوند با تأییدها و امدادهای خود نمی‌گذارد و سوسه‌های شیاطین جن و انس در پیامبر اسلام (ص) نفوذ کند و نیز او را از هر گونه انحراف، مصون نگه داشته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۲۶۶-۲۶۴)

۲. اقتباس قرآن از کتاب مقدس

رویین اشاره می‌کند که اخبار قرآن در خصوص اکثر انبیا و رسولان پیشین، ریشه در کتاب مقدس دارد. وی می‌نویسد: «بسیاری از این قصه‌ها (قصه‌های پیامبران در قرآن) از مضامین کتاب مقدس بهره می‌گیرند. برخی از آنها بسیار فشرده به نظر می‌رسد، اما برخی مانند قصه ابراهیم، موسی و عیسی با آب و تاب فراوان و حتی بازنگری‌های بسیار ظریف در روایات کتاب مقدس بیان می‌شود. اصولاً در قصه‌های عذاب، عناصری دیده می‌شوند که در روایات کتاب مقدس غایب می‌باشند» (Rubin, 2004, Vol.4, P.301).

■ نقد

اگر اقتباس قرآن از تورات و انجیل و کتب سایر ادیان (مانند: زرتشت و صائین و...) به این معنا باشد که پیامبر (ص) مطالب خود را از آنها می‌گرفت، این سخن در راستای تضعیف قرآن کریم است و با اثبات آن، برتری تورات و انجیل یا همسانی آن نسبت به قرآن به اثبات می‌رسد. اما این تنها یک ادعاست و برای رد آن، شواهد و دلایل ذیل ارائه می‌شود:

۱. حضرت محمد (ص) اُمّی و درس ناخوانده بود و به گواهی تاریخ، در وطن و سفر، آموزگاری نداشت و مطالب قرآن را از کسی نیاموخته بود.

۲. عهد قدیم تا زمان رسول خدا (ص)، به اعتراف خاورشناسان، به زبان عربی ترجمه نشده بود و نخستین ترجمه اسفار تورات به عربی، مربوط به اوایل خلافت عباسیان است. (ماضی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۸)

۳. اگر آموزگاران و افرادی (از یهود و نصاری) بودند که اعراب می‌توانستند نزد آنها در این زمینه آموزش ببینند، به یقین نخبگان و افراد متفکری نیز در میان عرب و قریش بودند تا مانند محمد(ص) سخنانی بیاورند و شگفتی جهانیان را برانگیزند. افرادی که تاکنون از جانب مخالفان به عنوان آموزگار محمد(ص) معرفی شده‌اند، مانند «بلعام»، «عایش» و «سلمان فارسی»، سخن گفتن به زبان عربی را به خوبی نمی‌دانستند، چه رسد به اینکه فصیح‌ترین و بالاترین سخن عربی را بر زبان بیاورند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۹۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۱۹-۵۱۸)

۴. اهل کتاب با حضرت رسول(ص) دشمنی داشتند و علیه حضرت، توطئه‌های فراوان تدارک می‌دیدند و از هیچ کاری برای تضعیف اسلام کوتاهی نمی‌کردند. پس اگر محمد(ص) قرآن را از اهل کتاب گرفته بود، حتماً خبر آن را منتشر می‌کردند و می‌گفتند این قرآن را از ما آموخته یا از کتابهای ما گرفته است و برای شما قرائت می‌کند؛ در حالی که سخنهای زیادی از آنها نقل شده، اما این مطلب از سوی آنها مطرح نشده است و اگر مطلبی گفته بودند، مانند سایر مطالب آنان، به ما می‌رسید.

۵. در قرآن کریم داستانهایی هست که در تورات و انجیل نیز مطرح شده است، اما داستانهای قرآن تفاوت جوهری با کتب مقدس دارد؛ از جمله: داستان آفرینش آدم، طوفان نوح، غرق شدن فرعون، نجات قوم موسی و چند داستان دیگر. برای مثال، موریس بوکای در ردّ نظریه شباهت داستان آفرینش قرآن با تورات می‌نویسد: من معتقدم این نظریه که داستان آفرینش قرآن با تورات بسیار نزدیک است، اشتباه است؛ بلکه اختلافات آشکاری در این دو کتاب وجود دارد که قابل مقایسه با یکدیگر نیستند. (بوکای، ۱۹۷۷، ص ۱۵۷)

همچنین وی درباره مسئله طوفان نوح اظهار می‌دارد که تورات وقتی طوفان نوح را بیان می‌کند، یک طوفان جهانی برای عقاب تمام بشریت کافر است؛ در حالی که قرآن کریم طوفان را برای مجازات عده‌ای محدود مطرح کرده است. (همان)

در داستان غرق شدن فرعون نیز تفاوت‌های اساسی بین سفر خروج تورات و آیات قرآن مشاهده می‌شود؛ از جمله: نجات بدن فرعون(همان، ص ۲۰۴)، که قرآن می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتَبُكَ لِيَمَنُ خَلْقِكَ آيَةً». (یونس، آیه ۹۲)

۶. بسیاری از داستانهای پیامبران که در قرآن کریم مطرح شده، در تورات و انجیل یافت نمی‌شوند؛ از جمله: داستان هود، صالح و شعیب(ع). اگر پیامبر خدا(ص) قرآن را از اهل کتاب آموخته بود، این اضافات را در کتاب خود مطرح نمی‌فرمود. (ماضی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۸)

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره المعارف قرآن ♦ ۱۵۱

۷. در قرآن کریم به موضوع تحریف تورات و انجیل نیز اشاره شده و آمده است که برخی از پیروان این ادیان به تحریف کتاب خود می‌پردازند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (مائده، آیه ۱۳؛ نساء، آیه ۴۶). حال اگر پیامبر (ص) مطالب خود را از آنها نقل کرده باشد، چگونه ممکن است آنها را تضعیف کند و نسبت تحریف به آنها بدهد؟! در حالی که این کار باعث تضعیف کتاب خود رسول اکرم (ص) هم می‌شود و این امر اساساً با عقل و درایت آدمی سازگاری ندارد.

۳. تبار محمد (ص)

یوری روبین درباره پیامبر اسلام (ص) دچار تناقض‌گویی شده است. وی در بحث مرتبه انبیا می‌نویسد: «پیامبران همه از یک تبارند ... و اینکه گفته شود خداوند، پیامبران را هدایت کرده است، به این معناست که آنها از یک تبار برگزیده الهی‌اند». این در حالی است که در بحث پیامبران و محمد (ص) می‌گوید: «محمد عرب هیچ گونه نسبت تبارشناختی با پیامبران پیشین نداشت. فاصله میان او و سایر پیامبران، فاصله‌ای زمانی نیز است که از آیه ۱۹ سوره مائده مستفاد می‌شود؛ آنجا که گفته می‌شود پیامبر قرآن در دوره فترت رسالت رسولان برانگیخته شد» (Rubin, 2004, Vol.4, P.291).

■ نقد

در منابع تفسیری، به ویژه روایات ذیل برخی از آیات، به تبار حضرت محمد (ص) اشاره شده است. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّتَهُ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، آیه ۳۳)؛ خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزیده است که اینان دودمان یکدیگرند.

در تفاسیر و روایات مختلف وارد شده که محمد (ص) از آل و تبار ابراهیم (ع) است. قرطبی در ذیل آیه مذکور، ضمن اینکه «آل محمد» را همان «آل ابراهیم» معرفی می‌کند، می‌نویسد: «آل ابراهیم عبارتند از:

اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط و محمد. (قرطبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹)

همچنین در تفسیر الدر المنثور، ضمن روایتی از قتاده، آمده است که: محمد (ص) از آل ابراهیم است. (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱)

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان، ضمن بیان دیدگاهی می‌نویسد: آل ابراهیم، همان فرزندان ابراهیم هستند که عبارتند از: اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط؛ که در میان آنان داود، سلیمان، یونس، ذکریا، یحیی و عیسی نیز هستند. پیامبر ما حضرت محمد (ص) نیز از جمله آنان است؛ زیرا ایشان از فرزندان

اسماعیل است. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۷۳۵)

در تفسیر المیزان هم «آل ابراهیم»، فرزندان پاکیزگان و شایستگان نبوت از نسل ابراهیم معرفی شده که حضرت محمد(ص) نیز از جمله آنان است. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۶۶)

در روایات متعددی به نقل از رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) آمده است که محمد(ص) از تبار ابراهیم(ع) است. در روایتی به نقل از امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) آمده که ایشان فرمودند: «من از ابراهیم و ابراهیم از من است؛ دین او دین من و دین من، دین اوست...» (بحرانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵). همانند این روایت، از امام باقر(ع) و امام رضا(ع) نیز وارد شده است. (همان؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۱)

نمونه دیگر که در تفسیر آن به تبار حضرت محمد(ص) اشاره شده، آیات ۲۱۷ تا ۲۱۹ سوره شعرا است. خدای متعال می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقَلِّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ»؛ بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن؛ همان خدایی که تو را هنگامی که [برای عبادت] برمی‌خیزی، می‌بیند و حرکت تو را میان سجده‌کنندگان مشاهده می‌کند.

در تفسیر آیه «وَتَقَلِّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ» (شعرا، آیه ۲۱۹)، آرا و دیدگاههای متفاوتی از سوی مفسران نقل شده است. بنابر یکی از این تفسیرها، نقل و انتقال رسول خدا(ص) در صلب پیامبران از حضرت آدم(ع) تا آخرین پیامبر و نیز صلب پدرش عبدالله، همگی به لطف پروردگار و تحت نظر رحمت او بوده است. بنابر این، مفهوم آیه چنین است: هنگامی که نطفه پاک تو از یک پیامبر موحد و ساجد به پیامبر دیگری منتقل می‌شد، خدا از همه [آن جریان] آگاه بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۳۷۲)

در روایات فراوانی از امامان معصوم(ع) نیز به این مسئله اشاره شده است:

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ذیل آیه مذکور، از امام باقر(ع) آمده است: «فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی انتقال تو در میان صلب اجدادت؛ که همان پیامبران الهی باشند که درود خدا بر آنان باد. (بحرانی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۵۱۶-۵۱۸؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۹)

در روایت دیگری از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) آمده است: «فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ نَبِيٌّ بَعْدَ نَبِيٍّ حَتَّى أُخْرَجَ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ عَنْ نِكَاحٍ غَيْرِ سَفَاحٍ مِنْ لَدُنْ آدَمَ»؛ یعنی تو در صلب پیامبران، پیامبری بعد از پیامبر دیگر قرار داشتی تا اینکه خدا او را از صلب پدرش از ازدواجی پاک و دور از هر گونه ناپاکی از زمان آدم به بعد بیرون فرستاد (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۲۴). همانند این روایت از ابن عباس نیز نقل شده است. (بحرانی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۵۱۷)

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره المعارف قرآن ♦ ۱۵۳

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: شخصی از رسول خدا(ص) پرسید: هنگامی که آدم در بهشت بود، شما کجا بودید؟ فرمود: آن هنگام من در صلب آدم بودم. همچنین در صلب پدرم نوح بودم، وقتی که سوار کشتی شد؛ و نیز در صلب ابراهیم بودم، آن گاه که در آتش افکنده شد.

درباره تبار حضرت محمد(ص) نیز باید اظهار داشت که بدون تردید، آن حضرت از اولاد حضرت اسماعیل و در نتیجه، از ذریه ابراهیم خلیل(ع) است.

توضیح اینکه سلسله نسب پیامبر خدا، حضرت محمد بن عبدالله(ع)، به «عدنان» می رسد. عدنان، پدر عرب عدنانی است که در تهامه، نجد، حجاز و بخشی از شامات و عراق سکونت داشته اند. عرب عدنانی را عرب مَعَدی، عرب نزاری، عرب اسماعیلی، عرب مستعربه و بنی اسماعیل نیز می گویند؛ زیرا نسبشان به حضرت اسماعیل بن ابراهیم می رسد. مادر فرزندان اسماعیل، «رَعْلَه» از قبیله «جُرْهم» از عرب قحطانی است و نسبشان به «یَعرب بن قحطان» می رسد. قحطان از نسل «سام بن نوح» است که هنگام پراکنده شدن فرزندان نوح، از بابل به یمن آمد و در آن سرزمین به پادشاهی رسید.

عدنان نیز با زنی از قبیله «جُرْهم» ازدواج کرد و از او دارای دو پسر شد: «مَعَد» و «عَکَّ». عدنان فرزندان دیگری نیز داشت که «مَعَد» بر جملگی آنان سروری یافت. (آیتی، ۱۳۶۹، ص ۵۲-۵۱)

پدر و نیاکان پیامبر اسلام(ص) به ترتیب عبارتند از: عبدالله، عبدالمطلب، هاشم، عبد مناف، قُصَی، کلاب، مُرّه، کعب، لوی، غالب، فهر، مالک، ضر، کنانه، خزیمه، مدرکه، الیاس، مُضَر، نزار، مَعَد و عدنان(ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۲۰). همه این افراد در تاریخ عرب، نامور و معروف می باشند.

بدین ترتیب، دانسته می شود که سلسله نسب پیامبر(ص) به «مَعَد» فرزند «عدنان» می رسد که او از اولاد حضرت اسماعیل است. در نتیجه، روشن می شود که پیوندی کامل میان حضرت محمد(ص) و ابراهیم پیامبر(ع) وجود دارد و این حقیقت نشان می دهد که جملگی ایشان از یک تبارند.

۴. محمد، پیامبر عرب!!

یوری روبین در نوشتار خود به دفعات از پیامبر اسلام(ص) با تعبیراتی چون: «محمد عرب» یا «فرستاده عرب» یاد کرده است. وی در بحث پیامبر و محمد، محمد را پیامبر عرب می داند و می نویسد: «محمد،

فرستاده خدا به سوی عرب بوده و به اوج سلسله وحی انبیا بدل می شود...» (Rubin, 2004, Vol.4).

وی در جای دیگر می نویسد: «اینکه پیامبران برای قوم خود فرستاده شده اند، این سنت برای محمد، پیامبر عرب که قرآنی عربی برای قومش آورده، سنت حسنه ای است. قرآن عربی محمد بر او وحی شده تا وی بیم دهنده اُمّ القُری باشد که به نظر مفسران، منظور از اُمّ القُری، همان شهر مکه است.» (Ibid, P.299)

■ نقد

اگر چه قرآن به زبان عربی نازل شده (زخرف، آیه ۱۰۳؛ احقاف، آیه ۱۲؛ رعد، آیه ۳۷)، اما این امر تنها به سبب ضرورت تکلم با آن برای تفهیم و تفهم بشری است؛ زیرا این متن باید به یک زبانی نازل می‌شد و چون محمد(ص) عرب‌زبان و در منطقه‌ای عربی بود، به «الفاظ عربی» نازل شد تا تفهیم آن به آسانی انجام گیرد. این حقیقت باعث نمی‌شود که محتوای قرآن نیز مخصوص عرب‌زبانها باشد؛ زیرا قرآن به جز زبان لفظی، زبانی محتوایی نیز دارد که آن، «زبان هدایت و فطرت» است و با آن با تمامی جهانیان سخن می‌گوید. بنابر این، پیامهای قرآن به عصری خاص با اقلیم و نژادی ویژه اختصاص ندارد؛ هر جا بشر هست، قرآن با او سخن می‌گوید؛ زیرا با دل و فطرت آدمی سر و کار دارد، نه فقط ظاهر آنها و به همین سبب، جهانی و همیشگی و جاودانه است. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰)

آیاتی از قرآن بر این مطلب دلالت دارد؛ از جمله:

«وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم، آیه ۵۲)؛ این کتاب جز یادی برای جهانیان نیست.

«وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (مدثر، آیه ۳۱)؛ و این آیات جز تذکاری برای بشر نیست.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (نبأ، آیه ۲۸)؛ و ما تو را جز بشارتگر و هشدار دهنده برای جملگی مردم نفرستادیم.

این آیات، بر رسالت جهانی پیامبر(ص) دلالت دارند. همچنین خدای متعال می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، آیه ۱)؛ فرخنده است خدایی که [کتاب آسمانی خود] فرقان را بر بنده (پیامبر) خویش نازل کرد تا برای جهانیان، هشدار دهنده باشد.

توضیح اینکه: انسانها امور مشترکی دارند. همه دارای فطرت و غرایز مشترک هستند و از طریق قلب هدایت می‌شوند. قرآن کریم از عدالت، احسان، احترام به والدین، پرستش خداوند، احترام به دیگران، دوری از بدی‌ها و... سخن می‌گوید و همه این پیامها، جهانی‌اند و همه انسانها آن را پذیرا هستند. آیات قرآن با همه سخن می‌گوید؛ با سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی، اویس قرنی، ابوذر حجازی (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۲-۳۳)؛ همه این افراد با ملیتهای مختلف و با فطرتی پاک و با اعماق وجود، پیامهای قرآن را می‌پذیرند و مخاطب قرآن هستند. این حقیقت نشان می‌دهد که رسالت پیامبر اسلام(ص) جهانی است. به همین سبب، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «أُرْسِلْتُ

تحلیل و نقد مقاله «انبیا و نبوت» در دایره المعارف قرآن ♦ ۱۵۵

الی‌الابیض والأسود و الأحمر؛ من به سوی همه، سفیدپوست، سیاه‌پوست و سرخ‌پوست فرستاده

شده‌ام. (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۳۲۳)

▪ نتیجه‌گیری

در مقاله «انبیا و نبوت» نکات و برداشتهای مثبت از آیات قرآن به چشم می‌خورد. یوری روبین در این مقاله، از تأثیر و نفوذ شیطان در پیامبران الهی و وحی آنان و اقتباس قرآن از کتب عهدین سخن به میان آورده است. این مطالب با مفاد آیات قرآن، اصول و مبانی اسلام و واقعیت تاریخ، ناسازگارند. وی در بررسی موضوع انبیا و نبوت، از منابع شیعی استفاده نکرده است. استفاده نکردن از منابع شیعی، مشکل عمده‌ای است که نه تنها در پژوهش او، بلکه در تحقیقات بسیاری از خاورشناسان نیز جلب نظر می‌کند.



منابع

- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۹)؛ **تاریخ پیامبر اسلام**، تهران، دانشگاه تهران، چ پنجم.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (بی‌تا)؛ **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق)؛ **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۹ ق)؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه اعلی.
- بوکای، موریس (۱۹۷۷ م)؛ **الکتب المقدسه (فی ضوء المعارف الحدیثه)**، لیتا، دارالمعارف.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۸)؛ **تفسیر تسنیم**، قم، اسراء.
- حویزی، عبد علی ابن جمعه (۱۴۱۵ ق)؛ **نورالثقلین**، قم، اسماعیلیان.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)؛ **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت، دارالکتب العربی، چ سوم.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۳ ق)؛ **الدرالمتثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت، دارالفکر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ ق)؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق)؛ **مجمع البیان**، بیروت، دارالمعرفه، بیروت.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)؛ **تفسیر العیاشی**، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری (۱۳۷۱ ق)؛ **الجامع لاحکام القرآن**، قاهره، دارالکتب.
- ماضی، محمود (۱۴۲۲ ق)؛ **الوحي القرآنی فی المنظر الاستشراقی و نقده**، مدینه، دارالدعوه.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)؛ **بحارالانوار**، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)؛ **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ نهم.
- Rubin, Uri (2001). "Children of Israel", *Encyclopedia of the Qurān*, Leiden, Brill.
- Rubin, Uri (2003). "Muhammad", *Encyclopedia of the Qurān*, Leiden, Brill.
- Rubin, Uri (2004). "Prophets and Prophet Hood", *Encyclopedia of the Qurān*, Leiden, Brill.